

اندیشه ما و توده‌ها و دو انقلاب اکتبر

چرا نیروهای نوظهوری ظاهر می‌شوند؟ می‌توانند بر نیروهای پوسیده بطاهر نیرومند پیروز شوند؟ علت اینست که حقیقت توده‌های مردم در سمت نیروهای نوظهور قرار دارند در حالی که طبقات ارتجاعی همیشه از توده‌های مردم جدا بوده و خود را در مقام توده‌ها قرار داده‌اند...

ثوری رفیق مائوتسه دون در باره جنگ توده‌های نفعها مسئله جزات اقدام جنگ توده‌ها را حل کرد بلکه مسئله چونکی اجرای آن نیز پاسخ داد...

در حال حاضر بسیاری از کشورهای و خلقهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین مورد تجاوز و سارت وحشیانه امپریالیسم سرگرد کی ایالات متحده امریکا و نوکرانش قرار دارند. اوضاع اساسی سیاسی و اقتصادی بسیاری از این کشورها در نکات زیادی چون چین کهن است و مسئله دهقانی در این کشورها مانند چین دارای اهمیت فوق العاده است. دهقانان در انقلاب دموکراتیک ملی علیه امپریالیستها و نوکرانشان نیروی عمده را تشکیل می‌دهند. امپریالیستها در تجاوز با این کشور معمولاً قبل از هر چیز شهرهای بزرگ و خطوط مهم ارتباطی را اشغال می‌نمایند ولی قادر نیستند دهات وسیع را تحت کنترل کامل خود در آورند. دهات و این تنها دهاتند که می‌توانند مناطق وسیعی برای مانور آزادانه انقلابیون تامین کنند. دهات و این تنها دهاتند که می‌توانند مناطق پایگاهی انقلابی تامین نمایند که از آنجا انقلابیون بسوی پیروزی نهائی پیش روند. درست به همین علت است که ثوری رفیق مائوتسه دون درباره ایجاد مناطق پایگاهی انقلابی در دهات و محاصره شهرها از طریق دهات روز بروز بیشتر مورد توجه خلق‌های آسیا، آفریقا و امریکای لاتین قرار میگیرد.

اگر جهان را در مجموع خود در نظر بگیریم آنگاه آمریکای شمالی و اروپای غربی می‌توانند بمنزله "شهرهای جهان" قلمداد گردند و آسیا، آفریقا و امریکای بقیه در صفحه ۳

نوشته "زیربنای بخش استاز نصل هفتم ساله رفیق لین پیاو بنام "زند مبارز پیروزی جنگ توده‌ها". در فصل مذکور رفیق لین پیاو وجوه اشتراک و افتراق انقلاب چین و شوروی را بیان داشته و اهمیت بین المللی ثوری رفیق مائوتسه دون را در باره "جنگ توده‌ها" تشریح کرده است. ما آن را بمناسبت سالگرد دو انقلاب بزرگ اکتبر انتشار می‌دهیم. "انقلاب چین ادامه انقلاب بکبیر اکتبر است. راه انقلاب اکتبر راه مشترک خلق‌های جهان می‌باشد. انقلاب چین و انقلاب اکتبر دارای نکات اساسی مشترک ذیل اند:

- ۱ - هر دو انقلاب تحت رهبری طبقه کارگر که هسته آن را حزب مارکسیستی-لنینیستی تشکیل میداد صورت گرفتند.
- ۲ - هر دو انقلاب بر اساس اتحاد کارگران و دهقانان انجام گرفتند.
- ۳ - در هر دو انقلاب قدرت سیاسی را از طریق انقلاب قهر آمیز دست آمد و یگانگی پرولتاریا برقرار شد.
- ۴ - هر دو انقلاب پیرو پیروزی سیستم سوسیالیستی را بنا کردند.
- ۵ - هر دو انقلاب بخشی از انقلاب جهانی پرولتاریا محسوب میشوند.

البته انقلاب چین دارای ویژگی‌های مخصوص خود می‌باشد. انقلاب اکتبر در روسیه امپریالیستی صورت گرفت در حالی که انقلاب چین در یک کشور نیمه مستعمره - نیمه فئودالی برپا شد.

انقلاب اکتبر انقلاب سوسیالیستی پرولتاریائی بود در حالی که انقلاب چین پس از پیروزی کامل انقلاب دموکراتیک نوین بیک انقلاب سوسیالیستی تبدیل شد.

انقلاب اکتبر با قیام مسلحانه در شهرها آغاز گردید و سپس به دهات گسترش یافت در حالی که در انقلاب چین ابتدا شهرها از طریق دهات محاصره شدند و سپس تصرف گردیدند و بدین ترتیب پیروزی سراسری کشور بدست آمد. سهم بزرگ رفیق مائوتسه دون در اینست که وی حقیقت عام مارکسیسم-لنینیسم را با پراتیک شخص انقلاب چین تلفیق داد و بر اساس جمع‌بندی دقیق و تعمیق همه جانبه تجربیاتی که خلق چین در مبارزه انقلابی طولانی اندوخته مارکسیسم-لنینیسم را غنی ساخت و آن را رشد و تکامل داد.

پراتیک طولانی انقلابی چین ثابت کرده است که ثوری رفیق مائوتسه دون در باره جنگ توده‌ها با قوانین عینی جنگ توده‌ها منطبق بوده و شکست ناپذیر است. این ثوری نه تنها در مورد چین صادق است بلکه در مبارزات انقلابی ملل و خلق‌های ستمدیده سراسر جهان نیز سهم بزرگی ادا نموده است.

جنگ توده‌ها، تحت رهبری حزب کمونیست چین، که عبارت از جنگ مقاومت ضد ژاپنی و جنگ‌های انقلابی داخلی است، مجموعاً ۲۲ سال بطول انجامید و طولانی‌ترین و بفرخنده‌ترین و از نظر تجربه غنی‌ترین جنگ توده‌ها تحت رهبری پرولتاریا در عصر کنونی محسوب میشود.

ثوری مارکسیستی-لنینیستی در باره انقلاب پرولتاریائی در آخرین تحلیل عبارت است از ثوری تصرف قدرت سیاسی از طریق قهر انقلابی و ثوری مبارزه علیه جنگ ضد-توده‌ها از طریق جنگ توده‌ها...

تاریخ جنگ توده‌ها چین و تاریخ جنگ‌های کشورهای دیگر گواهی فاطمی است بر اینکه نیروهای انقلابی خلق همیشه از ضعیف‌ترین قوی و از کوچک به بزرگ رشد می‌یابند. این یک قانون عام پیشرفت مبارزه طبقاتی و قانون عام رشد و تکامل جنگ توده‌ها است. گرچه در جریان رشد و تکامل جنگ توده‌ها، دشواریها، فراز و نشیبها، و شکست‌های فراوان ناگزیر است لیکن هیچ قدرتی یاری آن را ندارد که سمت عمومی تکامل جنگ توده‌ها را که مسلماً به پیروزی خلق منتهی میگردد معیبر دهد...

انقلاب دهقانی پیروز مند

از میان "انقلابات دوازده گانه محمد رضا شاه" اصلاحات ارضی "از مهمترین آنهاست. بیپرده نیست که شاه و نوکران سرسپرد هاشم سالهاست در محاسن "اصلاحات ارضی" و نتایج ناشی از آن در سخن می‌دهند. اگر به گفته های شاه و سر-مداران رژیم و به نوشته های مطبوعات مزدور ایران گوش دهیم این نکته دستگیرتان میشود که در روستای ایران رژیم ارباب-رضعی به موزه تاریخ سپرده شده است و دهقانان ایران همه صاحب زمین شده اند و زندگی سخت و پرمشقت گذشته را پشت سر گذارده‌اند.

اگر ادعای رژیم درست باشد آنگاه باید پذیرفت که توده دهقانان که از دست رژیم زمین دریافت کرده و بزندگی مستقل و مرفهی رسید هاند باید پشتیبان شاه و حکومت وی باشند. در این صورت کنترل شدید دهات و دهقانان ایران را از جانب دولت ایران چگونه باید توجیه کرد؟ چرا دولت ایران و سازمانیت از نزدیک شدن اشخاص و سازمانهای سیاسی بد هقانان وحشت دارند و به هیچکس اجازه و امکان نمیدهند که مستقلاً ادعای مقامات رسمی را به محک آزمایش بگذارد؟

آیا واقعا "اصلاحات ارضی" شاه در زندگی توده های دهقان ایرانی تحولی پدید آورده است؟ یک پیش‌داوری منطقی حکم میکند که آن اصلاح ارضی که با اشاره امپریالیسم امریکا دشمن شماره ۱ خلق های جهان و با دست محمد رضا شاه دشمن شماره ۱ خلق های ایران صورت گرفته باشد بدون شک بسود دهقانان ایرانی، بسود خلقهای ایران نیست و نمیتواند باشد در غیر این صورت باید ببینیم که امپریالیسم مستعمر که ده سال رژیم نیمه فئودالی را در ایران حفظ و حراست کرده و شاه ایران که ده هاسال در هزاران پارچه املاک خود دسترنج دهقانان را بزرگ از آنها ربوده است بیکبار به غمخواران دهقانان مبدل گردیده اند! پوچی و بیپهودی چنین ادعائی بر-یچکس پوشیده نیست.

واقعیت دردناک جامعه ما اینست که وضع دهقانان ایران طی سال های اخیر بوخامت بیشتری گرایده است "اصلاحات ارضی" نه تنها دردی از دردهای توده دهقانان را دوانکرده، آلام تازه ای هم بر آنها افزوده است. برای آنکه شاهدهی از این گفته خود بدست داده باشیم تا آنرا حاصل بر "عدم اطلاع" نکنند به نوشته ای از مجله "تهران اکونومیست" استناد میجوئیم. البته نمیشود مدعی شد که مدیر این مجله از وضع دهقانان بی اطلاع است یا میخواهد و میتواند مطالبی در مجله خود بچاپ برساند که مخالف با مصالح رژیم و سردمداران آن باشد.

نگارنده مقاله به "مشاهدات عینی" خود "که از مسافرت اخیر به همدان، نهاوند، ملایر، بروجرد، کرمانشاهان، بکامیاران، سنندج، سقز، و کلیاتی، شاه آباد غرب، قصر شیرین و دیگر روستاها هائی که در نقاط غربی کشور از آنها بازدید بعمل آورده استنا میجوئیم و می نویسد:

"صادقانه باید اعتراف کرد که... علی رغم آنچه کمسکن است توسط دستگاههای اجرائی مسئول اظهارشود یادر گزارشهایی که از طرف برخی از دستگاه ها که دستند بکار و مسئول امور عمرانی دهات عنوان کرد باید بپذیریم که در این هشت یا نه سال اخیر که خود عمری است کار بس چشمگیر و گام موثر و مثبت اقدام بقیه در صفحه ۳

درود به

خلق دلاور فلسطین

نامه سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان به جبهه نجات بخش فلسطین

جبهه نجات بخش فلسطین

برادران عزیز

در این ایام مصیبت زای سرشار از قهرمانی خلق فلسطین برادرانه ترین احساسات و همدردی کامل خلق ایران را بشما اعلام میداریم.

مبارزه مسلحانه شما بر ضد صهیونیسم، امپریالیسم امریکا و چاکران اردنی او مبارزه ای عادلانه و مقدس است که توجه پشتیبانی کلیه ملل شیفته آزادی را بخود جلب کرده است. این مبارزه مرحله مهمی است از مبارزه رهائی بخش کلیه خلق های عرب.

ما ایمان قطعی داریم که خلق فلسطین باتکیه بر نیروهای خود و بر همبستگی فعال کلیه خلق های عرب و سایر خلق های ضد امپریالیستی جهان، با بسط مبارزه مسلحانه و با طرد کلیه نقشه های "صلح" که ساخته و پرداخته امپریالیست های امریکائی و سوسیال امپریالیست های شوروی است بر کلیه دشواری ها فائق خواهد آمد، بر صهیونیسم اسرائیل و دستیارانش غلبه خواهد کرد و میهن خود را آزاد خواهد ساخت.

زنده با خلق دلیر فلسطین!

برافکننده باد سلسله زرخیز هاشمی که اینهمه جنایت نسبت به خلق فلسطین واردن مرتکب شده است!

سرنگون باد دولت اسرائیل!

مرده باد امپریالیسم امریکا، محرک تجاوزکاری اسرائیل!

سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان

۱۰ مهر ۱۳۴۹ = ۲ اکتبر ۱۹۷۰

درود پر شور و افتخار بر زندانیان سیاسی

توطئه خونین در اردن

"عمان میسوزد... عمان میسوزد... نیروهای زرخیز نه فقط فرارگاه های پناهندگان بلکه اکثریت محلات پایتخت را با بمب های آتشزا و ناپالم همچنان بمباران میکنند..."

چنین بود خبر خشم آوری که رادیوی کمیته مرکزی نهضت مقاومت فلسطین در ۲۰ سپتامبر به جهانیان اعلام میداشت.

خبرگزاری آسوشیتد پرس اینطور گفت: قشون ملک حسین "شهر عمان را چنان منهدم کردند که گوئی در سرزمین اشغال شده ای عمل میکنند نه در پایتخت کشور خویش". بعضی از محلات و بویژه فرارگاه های وسیع پناهندگان در حومه عمان که در آنجا هزاران فلسطینی بسر میبردند بوسیله توپخانه حویر و خاکش شد.

هلال احمر چنین گزارش داد:

هزاران کشته و زخمی هنوز در زیر آوارها مانده اند. سروه های ملک حسین دوسوم شهرهای عمان، زرقا، و همچنین فرارگاه های پناهندگان را در الحسین، وحدت، هاشم، منهدم ساخته اند. گرسنگی و بی آبی برادران ما را در قرارگاهها، شهرها و روستاها به مرگ محکوم میسازد.

این خبرها نمونه ای است از درندگی و خونخوارگی رنجاع عمان بسرکردگی ملک حسین که در ۱۷ سپتامبر با اشاره امریالیسم امریکا بر فدائیان فلسطینی حمله ور شد.

جنگ خونین اردن، حادثه ای تصادفی نبود بلکه ادامه سیاستی بود که امریالیسم امریکا، صهیونیسم و ارتجاع یهود-ستی سوسیال امریالیست های شوروی بمنظور نابود ساختن نهضت مقاومت فلسطین دنبال میکنند. سیاست مذکور پیش از آنکه بصورت هجوم مسلحانه بر فدائیان درآید بصورت طرح راجز و بعبارت بهتر: طرح راجز و گرمیکو - جلوه گرشد. هجوم مسلحانه بر فدائیان هدف دیگری جز اجرای طرح راجز و گرمیکو نداشت. کمیته مرکزی نهضت مقاومت فلسطین در اعلامیه ۲۰ ژوئیه خود طرح مذکور را بدرستی چنین ارزیابی کرد:

"این طرح در واقع چیز دیگری جز دسیسه ای ماکیاولی نیست که هدفش درهم شکستن وحدت اعراب و تلاش ساختن جبهه - اخلی است تا از این راه جنبش مقاومت فلسطین و نهضت محلات می اعراب را براندازند". اسناد رسمی و مطبوعات جمهوری توده ای چین و جمهوری توده ای آلبانی بیدرنگ از این توطئه امریالیسم امریکا و سوسیال امریالیسم شوروی بهره ببرفتند و روزنامه "سان" در آن ارگان حزب زحمتکشا بیتنام ماهیت آتش بس میان کشورهای عربی و اسرائیل را در کفه "قریب" خلاصه کرد. امریالیست ها و سوسیال امریالیست ها برای اجرای طرح خویش ارتجاع اردن را در خدمت - اشتند و عده ای از دولت های متزلزل عربی را نیز به باطلاق سند و بست گشاندند ولی نقشه امریمنی آنها با وجود نهضت مقاومت فلسطین که به فریب تن نمیداد تحقق پذیر نبود. از این جهت امریالیسم امریکا تهاجم بر فدائیان را بوسیله نیروهای زرخیز ملک حسین تدارک دید.

دشمنان خلق فلسطین می پنداشتند که با استفاده از عاقلگیری فدائیان و با توسل به قسوت فاشیستی و با بکاربردن اسلحه سنگین خواهند توانست ریشه نهضت مقاومت فلسطین را از سرزمین اردن بکنند و جهان را در برابر امر انجام یافته قرار دهند غافل از آنکه ریشه این نهضت در خلق فلسطین و اردنی است و سرچشمه این نیروی بیزوال را نمیتوان خشک کرد. عمان ویران شد ولی تسلیم نشد. فرارگاه های فلسطینیان بصورت بیابان پلازده ای درآمد ولی خرمن های خشم و کین بر آنها سا - مید. جنگ خونین اردن پیروزی های درخشانی برای خلق فلسطین بود. در برداشت و گواه غلبه ناپذیری نهضت مقاومت فلسطین بود. جنگ اردن محک قاطعی برای بازشناختن انقلابی در اردن بود. یکی هوادار نهضت مقاومت فلسطین و یکی هوادار ملک حسین است؟ کی در جانب خلق فلسطین و کی در جانب ارتجاع و امریالیسم قرار دارد؟ این سوالی است که تاریخ مطرح میکرد و واقعیت جواب میداد. همه خلق های جهان و درپیشا پیش آنها جمهوری توده ای چین و جمهوری توده ای آلبانی سید رنگ در کنار خلق فلسطین موضع گرفتند و روبرویست های

شوروی که خود از طر احان نقشه راجز بودند، با تمام قوا به فلاح کردن نهضت مقاومت فلسطین برخاستند. آنها از روز نخست بدولت های عربی زنهار زدند که مبارا بیاری خلق فلسطین بشتابند. اظهاریه وزارت خارجه شوروی تفاوت میان خلق و ضد خلق، انقلاب و ضد انقلاب را فراموش کرده عوام فریبانه و بورژواشناسانه از "جنگ برادرکشی" سخن گفت. تو گوئی ملک حسین و آدم کشانش که دشمن صهیونیست ها و امریالیست ها را برگوی خلق فلسطین نهاده اند باوی برادر اند!

خبرگزاری تاس بشیرمانه نوشت: "قهرچیز دیگری جز قهر بیار نی آورد و حرکت خلق را بسوی صلح، پیشرفت و ترقی دشوار میکردند". کدام قهر؟ قهر انقلابی که مارکس آن را مامای تاریخ میخواند یا قهر ارتجایی که همیشه وسیله حفظ نیروهای کهنه و سترون تاریخ است؟ در دنیای سرمایه داری آنکه قهر انقلابی را نفی میکند در واقع تثبیت کننده قهر ارتجاست و این همان وظیفه ای است که روبرویست های شوروی بر عهده دارند.

این بار روبرویست های شوروی بهی پروا تر از همیشه عمل کردند و نه فقط دیپلماسی محوانه خود را بکار انداختند بلکه برای خشنودی امریالیسم امریکا به انتشار گزارش های در باره این سیاست دست زدند. گزارش خبرنگار روزنامه "لوموند" از مسکو در این زمینه جالب است. وی می نویسد: "در مسکو این سوال مکررا پیش می آید که چرا شوروی فهرستی از اقدامات دیپلماتیک خویش در مورد بحران اردن منتشر می سازد. در واقع هم این شیوه عمل در وزارت خارجه شوروی غیر عادی است". سپس خبرنگار لوموند در بیان دلیل این امر میگوید: "رهرمان شوروی میخواهند به صراحت اعلام دارند که در بحران اردن بیگانه نشسته اند و میخواهند نشان دهند که درجه جهتی عمل کرده اند... شوروی میخواهد استقرار آراش را بعنوان یکی از خدمات خود بشمار آورد و خبرنگار مذکور چنین نتیجه میگیرد: "هم شوروی و هم امریکا هر دو خواستار حفظ ملک حسین اند، اگرچه شاید خواست هر دو آنها - بیک اند از صریح نباشد. بعلاوه بعضی ها باین نکته توجه میدهند که عمل تهدید آمیز ناوگان ششم امریکا و اقدامات دیپلماتیک اتحاد شوروی هر دو برای اجرای سیاست واحدی صورت گرفته است."

در مقاله ای که روزنامه "ایزوستیا" در ۲۱ سپتامبر درباره حوادث فلسطین نگاشت از شناسائی مبارزه سازمان های فلسطینی - که یک سال پیش آن را ریاکارانه "نبرد عادلانه" ضد امریالیستی نجات ملی" مینامیدند - ذکری هم بیان نیامد بطوری که روزنامه لوموند باین مناسبت نوشت: "کاملا روشن است که مسکو امروز نمایندگان فلسطین را بمنزله مزاحمانی تلقی میکند و ترجیح میدهد که مطالبات ملی و سیاسی آنان را چیز دیگری جز مسئله پناهندگان نداند و آرزوی اینست که حکومت های عربی وظیفه اسگات آنان را برعهده گیرند. در این مورد شاید موضع رهبران شوروی تفاوت زیادی با موضع واشنگتن نداشته باشد."

جنگ اردن بر مواضع دوست و دشمن پرتو تازه ای افکند و آگاهی خلق فلسطین و سایر خلق های عرب را بدرجه ای عالی تر ارتقا داد. درس بزرگی که با خون ده ها هزار فلسطینی مقتول و مجروح برداشت و کوه اردن نوشته شده اینست که "خلق فلسطین با تکیه بر نیروهای خود و برهم بستگی فعال گنیه خلق های عرب و سایر خلق های ضد امریالیستی جهان، با بسط مبارزه مسلحانه و با طرد گنیه نقشه های "صلح" که ساخته و پرداخته امریالیست های امریکائی و سوسیال - امریالیست های شوروی است برکنیه دشواری ها فائق خواهد آمد، بر صهیونیسم اسرائیل و دستیارانش غلبه خواهد کرد و میهن خود را آزاد خواهد ساخت". یکی از سخنگویان کمیته مرکزی فلسطین بدرستی گفت که: "امروز از عمان تا پکن جبهه مقاومت و مبارزه گسترده شده است. از عمان آتش گرفته تا پکن سرخ بارنگد و انقلاب بسته شده است. امریالیست ها، چاکران آنها و امریالیست های نوین در پای این باریکارد

ها کورستان مشترک خویش را خواهند یافت."

روزنامه الا حرام مانند سایر نمایندگان بورژوازی عرب از اوج روحیه انقلابی خلق فلسطین بهراس افتاده و نهضت مقاومت فلسطین را در معرض اخطار قرار داده بود که مبارا به پیروزی های خلق ویتنام در برابر امریالیسم امریکا بنگرند و به نیروی جنگ توده ای تکیه کنند زیرا که اردن ویتنام نیست، در جنوب شرقی آسیا قرار ندارد، دارای جنگ های انبوه نیست، صحرانشینانش در دام ملک حسین اند... و غیره. غیره. البته امثال نویسنده این روزنامه که به نیروی خلق ایمان ندارند همچنان مسحور تاثیر محیط جغرافیائی و سا قدرت اسلحه باقی میمانند. اما مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون می آموزد که آنکه تاریخ را می آفریند، آنکه جهان را در گروین میسازد خلق است. یکی از نمایندگان حکومت الجزیره - حکومتی که محصول جنگ توده ای است - در این مورد بدرستی چنین نوشت: "نباید جنگ کونی (جنگ بر ضد اسرائیل) را بمشابه نبرد کلاسیکی تلقی کرد که در آنجا مانند جنگ اسپانیا بعضی ها مهمات جنگی خود را بمعرض آزمایش میگردانند. مطلب بر سر تانک و موشک نیست. باید مقاومت را در مقیاس تمام کشورهای عربی سازمان و گسترش داد. در برابر کسانی که در توجیه روحیه تسلیم پذیر خویش (روحیه ای که البته آن را واقع بینی مینامند) مدعی میشوند که جنگ در شرایط خاص و غیر از شرایط مبارزه ویتنام و جبهه آزادی بخش ویتنام انجام میگیرد مثال های متعددی در اثبات این امر وجود دارد که مقاومت را میتوان هرآنقدر در کوهها گسترش داد که در شهرها، همانقدر در دشت ها گسترش داد که در بیابان های شن زار و یا پوشیده از یخ. مشه بر سر چگونگی سرزمین نیست بلکه بر سر عزم و اراده است: آنچه سرانجام پیروز میشود مهمات نیست، هر قدر که کامل باشد، بلکه انسان است که مهمات را بکار می برد و ایمانی که انسان را بتکا پور میسازد."

صحت این سخن که از اندیشه مائوتسه دون الهام میگردد ضامن پیروزی نهایی خلق فلسطین است. گسترده باد جنگ توده ای خلق فلسطین!

نیرومند باد... بقیه از صفحه ۴ معنوی نسبت به آن دریغ نمیکند. اما اتحاد شوروی مسبب کودتای ضد انقلابی، این نوکران پست امریالیسم را تقویت میکند و از شناسائی حکومت انقلابی خلق و کمک به آن صریحا امتناع میورزد.

خلق فلسطین برای مبارزه با صهیونیسم و امریالیسم امریکا که در پشت سر آنست بخاطر بدست آوردن سرزمین های از دست رفته خویش بجنگ قهرمانانای دست میزند. جمهوری چین از رهبران نخست وزیر خود بهره بر نهضت مقاومت فلسطین اطمینان میدهد که "چین پارتیزانهای (فلسطین) را بدون قید و شرط و تا پیروزی نهایی پشتیبانی میکند" و واقعا بمنظور که یکی از رهبران سازمان فلسطین میگوید: "از همان نخستین غرض توپهای انقلاب فلسطین، چین پشتیبانی قاطع خود را از انقلاب مسلح اعلام داشت و بمبارزه مسلحانه ما هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی یاری رسانید". اما اتحاد شوروی با صحنه گذاردن بر طرح راجز و پایگاه امریالیسم امریکا را در خاورمیانه تثبیت میکند و خلق فلسطین را از بازگشت به میهن خود محروم میسازد. از آنهم بدتر هنگامی که "شاه سلطان حسین اردنی" ارتش خود را برای نابودی کامل مقاومت فلسطین وارد میدان کرد و فدائیان فلسطین به مقاومت قهرمانانای پرداختند اتحاد شوروی برای استرضای خاطر نیکون سوریه و عراق را از هرگونه کمک به فدائیان برحذر داشت و بطور آشکار در کنار امریالیسم و صهیونیسم و سران ارتجایی عرب علیه خلق فلسطین وارد عمل شد.

هرکجا خلقی علیه امریالیسم و ارتجاع بپا میخیزد جمهوری توده ای چین در پشت آن قرار میگیرد و آنرا همه جانبه تقویت میکند. جمهوری توده ای چین در همه جا و همه وقت مددکار خلق های انقلابی است. بهبوده نیست که خلق های انقلابی، جمهوری توده ای چین را یاری و خویش میسرند و پیشرفت های چین و اعتلا نیروی مادی و معنوی آنها از آن خود و در راه آرمانهای مقدس خویش میدانند.

نیرومند و استوار باد جمهوری توده ای چین!

اندیشه‌ها... بقیه از صفحه ۱ "لاتین" دهات جهان نامیده شوند. پس از جنگ جهانی دوم جنبش‌های انقلابی پرتاریا در کشورهای سرمایه‌داری آمریکا، شمالی و اروپای غربی بعقل کوباکون موقتا توقف ماندند در حالی که بعکس پیر جنبش‌های انقلابی خلق‌های آسیا، آفریقا و امریکای لاتین با قدرت هرچه بیشتر بسط و توسعه یافتند. امروز انقلاب جهانی، بطنی، بطنی، در وضعی است که شهرها در محاصره ماضی روستا قرار گرفته‌اند. مجموعه امر انقلابی جهان در آدریس تحلیل به مبارزات انقلابی خلق‌های آسیا، آفریقا و امریکای لاتین که اکثریت مطلق جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند وابسته است. کشورهای سوسیالیستی باید پشتیبانی از مبارزه انقلابی خلق‌های آسیا، آفریقا و امریکای لاتین را بشناسند و ضربه اسرناسیونالیستی خود تلقی کنند.

انقلاب اکبر عصرتوینی را در انقلاب ملل ستمدیده کشور و پیروزی انقلاب اکبری بین انقلاب سوسیالیستی پرتاریا در غرب و انقلاب دموکراتیک ملی کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره در شرق ایجاد کرد. انقلاب چین مسئله چگونگی پیوند انقلاب دموکراتیک ملی با انقلاب سوسیالیستی در کشور مستعمره و نیمه مستعمره را حل نمود...

رفیق مائوتسه دون تئوری کاملی درباره انقلاب دموکراتیک نوین تدوین کرد. او خاطر نشان ساخت که انقلاب دموکراتیک نوین برخلاف هر انقلاب دیگری تنها می‌تواند و بایست توده‌های ضد امپریالیستی، ضد فئودالی و ضد سرمایه‌داری بورژوازی را تحت رهبری پرتاریا باشد.

این بدان معناست که این انقلاب می‌تواند از طرف طبقه دیگ و حزب سیاسی دیگری رهبری شود بلکه فقط می‌تواند و باید بوسیله پرتاریا و یک حزب انقلابی مسلح بسط مارکسیسم لنینیسم رهبری گردد.

این بدان معناست که انقلاب نه تنها کارگران دهقانان و خرده بورژوازی شهری را در بر میگیرد بلکه شامل بورژوازی ملی و سایر شخصیت‌های دموکراتیک ضد امپریالیست و میهن پرست نیز میگردد.

این بدان معناست که این انقلاب علیه امپریالیسم فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک ضربه است. انقلاب دموکراتیک نوین بسوی سوسیالیسم هدایت میگردد نه بسوی کاپیتالیسم.

آموزش

"حزب انقلابی، خلق انقلابی نمیتواند کار دیده شود، به پختگی کامل نائل گردد و پیروزی برسد مگر آنکه پیوسته آموزش یابد. هم از طریق نمونه های مثبت و هم از طریق نمونه های منفی و از مقایسه آنها با یکدیگر."

مائوتسه دون

در جهان امروز... بقیه از صفحه ۴ روز افزون جنبش کمونیستی را استحکام میبخشد. اینست آموزش سوم.

در کشورهای امپریالیستی هم چگونگی انتخاب روشن می شود. رفیق مائو اظهار میدارد: "قهر فاشیستی نیکسون شعبه های سوزان جنبش انقلابی توده ای را در امریکا برانگیخته است... خلق امریکا که قهرمانانه مبارزه میکند پیروز خواهد بود و سلطه فاشیستی در امریکا به شکست حتی خواهد انجامید". فاشیسم یعنی دیکتاتوری آشکار مترجعتترین عناصر سرمایه مالی، مهمترین شکل سیستم محضر کهنه، دیگر مانند سالهای پیش از جنگ دوم جهانی بستگی با مرحله فروکش جنبش کارگری و دموکراتیک ندارد. امروز فاشیسم با گرایش عمده، با انقلاب بستگی دارد. فاشیسم با پیشروی، با تعرض با اعتلا، مبارزات خلق‌ها مقابله میکند. صحبت بر سر انتخاب میان فاشیسم و دموکراسی بورژوازی نیست. در این چنانیز دموکراسی بورژوازی نمیتواند راه سوسی میان فاشیسم و انقلاب باشد در مقابل دیکتاتوری بورژوازی که هنوز شکل دموکراتیک دارد ولی در حال گرایش بسوی فاشیسم است یا هم اکنون به صورت فاشیستی تجلی میکند، راه دیگری بجز دیکتاتوری پرتاریا نیست چنین است چهارمین آموزش اظهاریه رفیق مائو (روشن است که نویسنده به کشورهای امپریالیستی نظر دارد نه به کشورهای نظیر ایران که در آنجا پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین به استقرار دیکتاتوری دموکراتیک طبقات انقلابی منجر میشود... توفان).

در جریان اعتلا، عمومی جنبش آزادی بخش ملی و بیداری خلق‌های کشورهای امپریالیست خیانت رویزونیست های شوروی هر روز آشکارتر میگردد. آنها هنوز دولت سپهانوک را برسمیت نشناخته اند. سراسر جهان با آگاهی ضد رویزونیستی ناشی آید. رویزونیست ها در هر تکان انقلابی اندکی بیشتر از اردوی مبارزان رانده میشوند.

امروز جبهه متحد علیه امپریالیسم امریکا در مقیاس جهانی بدو آنها، جدا از آنها و علیه آنها تشکیل میشود. باید اعتماد بنفس داشت. بکار طولانی دست زد و در هر قدم رویزونیست ها را از لحاظ سیاسی افشا کرد، کارگران پیشرو را امروز توده های وسیع را فردا از جنگال آنها بدر آورد. و با اعتقاد باین امر که "یک امر عادلانه همیشه از پشتیبانی وسیع برخوردار است" در هر گام تمام نیروهای ممکن را علیه دشمن عمده متحد ساخت. هر اندازه مبارزه بیشتر توسعه مییابد و سرسخت تر میشود، هم نقد جبهه متحد وسعت بیشتری پیدا میکند و با تکیه بر رشد و تکامل جنبش استحکام مییابد. اینست پنجمین آموزش اظهاریه مائو درس گرانمایه ای در زمینه تاکتیک و استراتژی انقلابی.

در واقع کی از کی میترسد؟ رفیق مائو با طرح این مسئله درس عمیقی از بصارت و خوش بینی انقلابی بدست میدهد ما آن نیروی هستیم که زاد میشود و رشد میکند مشکلات ما مشکلات رشد است، شکست ما گذرا است، ناگامی های ما درس های مثبتی است. آری بیش از هر موقع دیگر آینده از آن ما است. این آموزش مرکزی اظهاریه رفیق مائو است. اظهاریه وی باید انگیزه نیرومندی در ایجاد شور شوق طبقاتی و فعالیت انقلابی آگاهانه باشد.

زنده باد اندیشه مائوتسه دون مارکسیسم - لنینیسم دوران ما! امپریالیسم سرنگون خواهد شد! زنده باد دیکتاتوری پرولتاریا! (ترجمه از "اوسانیته نوول" ارگان حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست فرانسه که بطور مخفی انتشار می یابد. شماره ۷ ژوئن ۱۹۷۰ - تکیه بر کلمات از "اوما" نیته نوول است)

انقلاب دهقانی... بقیه از صفحه ۱ بنیانی برای قرار ز نامالییات زندگی دخمه نشینی در روستا انجام نشده و روستا نشینان با بسیاری از تلخی های زیستی گذشته زندگی میکنند: در همان کیرها، همان دخمه ها وزانها که یاد آور شرایط زیستی سالهای قبل از اصلاحات ارضی است و سپس در مقام مقایسه میان "تحولات و تغییراتی که در عرض پانزده بیست سال گذشته تحقق پذیرفته شده با آنچه که در گذشته بود" بر می آید و بر اساس این مقایسه وضع دهقانان را چنین توصیف میکند: این مقایسه... محلی برای اقبال و تردید باقی نمیگذارد که در این مدت اگر چه ره و سیمای شهرها به تغییر گراییده قیافه دهات بهمان شکل قدیم باقی مانده و کار در حد و سطح روستا، تا آنجائی که با مسئله عمران روستاها بسا - یل خانه سازی، تهیه آب آشامیدنی و تاسیسات عام المنفعه مورد نیاز نظیر غسالخانه، رخت شویخانه، انبار و نظائر مربوط میشود بدن آنکه تغییرات حادث شده باشد هم - نظیر قدیم و ابتدائی باقی مانده است. بدید محقیقت بنگریم ساختمانها همان ساختمانهای مخروبه گلی است که از هیچ خصوصیت ساختمانی برخوردار نیستند، نوع خانه سازی در دهات در قدیم مشخص بود. خشت و گل حتی گل را روی هم می انباشتند، چوبهای کج و معوج تبریزی برای سقفها، ساختمانهای نظیر نقب، دخمه بدن رعایت کوچکترین اصول امنیتی و بهداشتی. حالا هم بهمین وضع باقی است. این چیزی نیست که در اعماق چشم بخورد. این وضع حتی در دهاتی که کار جاده ها صف کشیده اند چشم میخورد و در سالها اخیر مثل اینکه جنبش وحرکتی در جهت تعمیر و نرسازی روستاها، برای اینکه این خانه های غیر قابل سکونت را تبدیل به کلبه های روستائی درخور زندگی کنند وجود نداشته است.

"عقب ماندگی دهات بهمین جا ختم نمیشود. وضع آب آشامیدنی بسیاری از دهات و امور بهداشتی اغلب روستاها نیز بیش و کم دست نخورده باقی مانده است. هنوز از بقایا و فضولات حیوانی، از کود و پهن بمنظور سوخت استفاده میشود. زنهای روستائی بکمک فرزندان روستا از کود و پهن "ناپاله" درست میکنند و این طرز کار تلخ یاد آور مجدد ابتدائی ترین شکل کار روستائی است. وضع نظافت و امکاناتی که برای زندگی در دهات وجود دارد دست نخورده باقی مانده و تغییر چشمگیری در ایندست صورت تحقق بخورد نگرفته است" (شماره ۸۵، ۳۱ مرداد ۴۹) (تکیه بر روی کلمات از ماست - توفان) این است توصیف زندگی دهقانی که بنا به ادعای شاه و بلندگویان گویا صاحب زمین شده اند و از بینوایی به نوائی رسیده اند.

این اعتراف تلخ در مجله ای انتشار مییابد که مدیرش ستایشگر "انقلابات شاهانه" است. این اعتراف بیانگر این حقیقت است که "اصلاحات ارضی" شاه تغییری در زندگی توده های دهقانی پدید نیاورده است. در روستای ایران هنوز همان شکل مالکیت با تمام نتایج مکت بار آن دوام دارد منتها نکارنده مقاله توصیف خود را نمیتوانسته تا آنجا پیش برد که از بقایای مناسبات نیمه فئودالی نیز سخن بمان آورد. این اعتراف شاهد گویائی بر این امر است که "اصلاحاتی" که بسا الهام از امپریالیسم و با دست نوکران پست وی صورت گیرد ممکن نیست برای توده های مردم کوچکترین ره آوری داشته باشند.

آیا چنین وضعی حکایت از این دارد که در ایران راه انقلاب دهقانی - راهی که باید با جنگ توده ای در رو آغاز گردد، طیونها توده دهقانی را بسج و متشکل سازد و تحت رهبری طبقه کارگر علیه مالکان بزرگ خودی و بیگانه علیه نظام موجود به نبرد کشاند و به شعار "زمین از آن کسی است که بر روی آن میکارد" جامه عمل بپوشاند - راهی کهنه و غیر قابل اجرا است؟ سازمان امنیت میتواند چنین سخنانی را در دهان طوطیان خویش بگذارد ولی سازمان ما ایمان و اعتقاد راسخ دارد که راه انقلاب ایران از روستا میگذرد. این حقیقت روشنی است که با هیچ کوششی آنرا نمیتوان پوشانید.

تصحیح

در شماره ۳۷ روزنامه "توفان" صفحه ۴ ستون ۳ بجای ۱ میلیارد ریال اشتباهاً ۱۰ میلیارد ریال نوشته شده است. خواهشمندیم تصحیح بفرمائید.

ورشکستگی

"صادرات کشور در چهار ماهه اول سال گذشته با ارزش ۵۴۶۶ میلیون ریال واردات در همین مدت با ارزش ۳۴۴۲۰ میلیون ریال بوده است. آمار فوق نشان میدهد که میزان صادرات چهار ماهه اول سال جاری با مقایسه با چهار ماهه اول سال ۱۳۴۸ از لحاظ ارزش قریب ۶۵۴ میلیون ریال افزایش داشته است ولی متأسفانه بر اساس همین آمار گری مؤخره بازرگانی کشور نسبت به مدت مشابه سال گذشته حدود ۷ میلیارد فرونی داشته است. یعنی مقدار افزایش واردات کشور تنها در چهار ماهه اول سال گذشته بیش از یک میلیارد ریال از مجموع صادرات کشور بیشتر بوده است." تهران آگنومست ۱۴ شهریور ۱۳۴۹

عنوان مکاتبات: X GIOVANNA GRONDA 24030 VILLA D'ADDA/ITALY
حساب بانکی: X GIOVANNA GRONDA CONTO 12470/11 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16 MILANO / ITALY

مرک و ننگ بر امپریالیسم امریکا

دزد کیست؟

رژیم ایران ادعا دارد که آزادی و دموکراسی در ایران حکمرانست، کارهم فراوان است و مردم در ناز و نعمت بسر می-
- بر - و برای اثبات این ادعا به هزارویک حیل و جور و اجور
متوسل میشود .

گاهی قانون "از کجا آورده‌ای" را توسط "غلام خانه زاد" -
- فدا - بتصویب میرسانند، گاهی "انقلاب شاه و مردم" می‌کنند
و اصلاحات ارضی، سپاهیان دانش و بهداشت حرفه‌میزنند و
رسمی که تیرشان بسنگ میخورد و توده های مردم را نمیتوانند
بگریه، از نفس "گرم" آقایان نیکخواه و پارسا نژاد مدد میگیرند؛
بعد از کودتای امیرالیستی ۲۸ مرداد ۳۲، شاه
سعی - ایجاد آنگنان محیط ترور و اختناق کرد که بتواند
- ست امیرالیستها، بویژه امیرالیسم آمریکا - و بحمد اله به
تزیق شوروی "سوسیالیستی" - را در ایران بگلی بازنگارد .
از آن زمان بعد علنا اقتصاد کشور ما در کف امیرالیستها ی
حارثی قرار گرفت و شیر جان زحمتکشان ما کشیده شد .

امنیتی که رژیم ایران از آن بدفاع برخاسته بخاطر
- ری های شاه است در چپاول و غارت ثروت ملی ما .
بخاطر حفظ این "امنیت" حکومت ضد ملی شاه دزد
بگر شده ! آنهم چه دزدی؟! !

به خبر زیر مندرج در روزنامه کیهان شماره ۲۲ تیر ماه
- رفت کنید :

شخصی که شبانه خودش را به سطل های زباله
میزد و کافه های باطله را جهت فروش به کارخانه مقوا
سازی میدزید، وسیله شهردار اریایخت دستگیر گردید .
دکتر غلامرضا نیک بی شهردار اریایخت در این
سورد گفت :

پرشب در یکی از خیابان ها که سطلهای جدید
حمل زباله را قرار میدهند، تا وسیله ماشین های مخصوص
نخلیه و حمل شود متوجه شدم که شخصی که لباس رفتگرا
شهرداری را بتن دارد مشغول جستجو در سطلهای
زباله است. از این منظره خیلی ناراحت شدم و وقتی
او را خواستم جلو آمد، و سئوالاتی از او کردم متوجه
شدم که اصلا رفتگر شهرداری نیست در تحقیقات معلوم
شد شخص مزبور اعتراف کرده است که با ده تن دیگر از
همکاران خود، کافه باطله ها را میدزیدند .

آیا این شخص دزد است؟ نه، به هیچ وجه! این عمل
او نشانه فقر اجتماعی است در مملکت ما، نشانه بیگاری و هزار
تا - سانی! چشم بینوایان به سطل های زباله دوخته شده
سری - جوع! وجه تاج افتخاری بر سر شهردار تهران
که خود ش مستقیما برای خدمت پشاه با "دزدان" مبارز میکند!
سرمدار رژیم ایران - شاه - هزاران میلیون تومان را به
حیال راحت به جیب میزند، در بانکهای خارجی پس اندازهای
کلان دارد، تاج گذاری شاهانه میکند، وان طلائی میخورد...
و اسبائی است که پبای بعنوان کلهای اقتصادی و نظامی از
دولت امیرالیستی به سازمان برنامه، وزارت دارائی، وزارت
حکمت، بانک مرکزی و غیره بپرداخت میشود و مقدار زیادی
از آن بحساب بنیاد پهلوی واریز میگردد!

چه پولهایی که او باشان شاه برای چاپلوسی و خوش-
حدمتی، به حساب شخصی شاه به بانکهای خارجی واریز
نمی کنند!

دزد، شاه است و عمال او که بر اریکه قدرت تکیه زده اند
و به چپاول و غارت مشغولند . شاه است که خون مردم میهن
مارا می بکد، موجب فقر و بی خانمانی در کشور ما میشود .
و برای اینکه نشان بدهند که با "فساد" مبارزه میکنند، کافه
باطله جمع گنی را بعنوان "دزد" میگیرند و بعد هم بسا در
غضب شاه که ... دزد گرفتیم!

نیرومند باد جمهوری توده ای چین

های اسارت امیرالیسم در همه جا بیا خاسته اند وجود جمهوری
توده ای چین، اقتدار و نیرومندی آن مایه نیکبختی و پشتگر
خلق های انقلابی است، در دنیائی که دکتور بزرگ امیریا -
لیستی آمریکا و شوروی دست در دست یکدیگر پنهان یا آشکار
با توسل به انواع دسایس از مبارزه و قیام انقلابی توده ها جلو-
میگیرند و در هر جا که دسایس آنها کارگر نیفتد با دست عمل
خود وحشیانه ترین شیوه مبارزه و قیام توده ها را سرکوب می-
کنند جمهوری توده ای چین به یاری خلق های شتابد و بسا
پشتیبانی مادی و معنوی به آنها در راه ادامه مبارزه و انقلاب
دلسگری می بخشد .

این سخن بیان واقعیتی است که مظاهر آن در هر گوشه
جهان بچشم میخورد .

خلق ویتنام سالهاست قهرمانانه علیه بزرگترین و نیرومند
ترین امیرالیسم جهان می جنگد . جمهوری توده ای چین -
از همان آغاز از جنگ توده ای خلق ویتنام مادا و معنای پشتیبانی
کرد و با تمام قوا به آن یاری رسانید . اتحاد شوروی در آغاز
تردید و تزلزل نشان داد تجاوز آشکار آمریکا را به جمهوری
دموکراتیک ویتنام برده پوشی کرد ولی برای او بسیار دشوار بود
از کمک به ویتنام و کشور سوسیالیستی طفره رود . اما با توجه به
نیروی عظیم اقتصادی و نظامی شوروی، کمکی که به جمهوری
دموکراتیک ویتنام صورت میگیرد در حقیقت ناچیز است. از سوی
دیگر هر بار که آمریکا از زبان خود یا همدستان خود ندای صلح
در میهد، صحنی که هدفش حفظ حکومت دست نشانده سای -
گون و حفظ نفوذ آمریکا است اتحاد شوروی فوراً با آمریکا زسان
مشترکی پیدا میکند .

دولت آمریکا در کامبوج با انجام کودتا حکومت قانونی
این کشور را سرنگون میسازد و نوکران خود را بقدرت مینشانند
خلق کامبوج برای مقابله مسلحانه بپامیخیزد، حکومت انقلابی
جبهه متحد تشکیل میگیرد که جنگ توده ای را علیه امیریا -
لیسم و نوکرانش آغاز میکند . جمهوری توده ای چین فوراً بدفاع
از خلق کامبوج برمیخیزد، حکومت جبهه متحد را بر سمیت می -
شناسد و از بذل هیچگونه کمک مادی و بقیه در صفحه ۲

بیست و یک سال پیش انقلاب خلق چین به پیروزی انجامید
و جمهوری توده ای چین با بعرضه وجود گداشت. در کنار اتحاد
جماهير شوروی که در آن زمان هنوز هم یگانه کشور سوسیالیسم
پیروز و یگانه پایگاه انقلاب پرولتاریائی بود پایگاه دیگری بوجود
آمد . پایگاه های پهناتور، توانا با جمعیتی برابر یک ربع کره ارض
پایگاهی که به پرولتاریا و خلق های انقلابی جهان پشتیبانی
نیرومند و پرتوانی را عرضه میداشت .

اتحاد شوروی و جمهوری توده ای چین دو پایگاه بزرگ انقلاب
دودز تحسیرناپذیر سوسیالیسم میتوانستند، در دورانی که
امیرالیسم در حال زوال است و خلق های سراسر جهان بقیماً
برخاسته اند، در تسریع پیروزی انقلاب جهانی، نابودی امیر-
الیسم و استقرار سوسیالیسم در مقیاس جهانی عامل بسیار مؤثر
باشند . اما مرگ استالین بزرگ و پیدایش ریزیزونیسم در حزب
کونیست اتحاد شوروی، که نتیجه آن احیاء سرمایه داری در
این کشور و تغییر سرشت حزب و دولت آن بود اتحاد شوروی
را بتدریج از پایگاه انقلاب و سوسیالیسم بیکی از دو پایگاه مهم
ضد انقلاب جهانی و از پشتیبانی خلق ها و مبارزه شان علیه
امیرالیسم و رجوع به هتکار و پشتیبان امیرالیسم و ارتجاع
مبطل گردانید .

اگر اتحاد شوروی از سوسیالیسم و انقلاب، از پشتیبانی
از مبارزه خلق ها روی گردانید، جمهوری توده ای چین بسا
انجام انقلاب فرهنگی پرولتاریائی راه را بر ریزیزونیسم بست
همچنان - ز محکم سوسیالیسم و انقلاب باقی ماند . نظام سو-
سیالیستی به خلق چین امکان داد که تحت رهبری آموزگار
بزرگ پرولتاریا رفیق مائوتسه در ون در یک کشور عقب -
مانده یک قدرت بزرگ جهانی پدید آورد . پیشرفتهای عظیم
جمهوری توده ای چین که همه جهانیان را به اعجاب واداشته
شده نظام سوسیالیستی است، نظامی که توده های زحمتکش
را از اسارت و استثماررهای می بخشد و تمام نیروی خلاقه
آنها را در راه اعتلا، قدرت مادی و معنوی پایگاه انقلاب
و سوسیالیسم بکار می اندازد .

در جهان کونی که خلق های جهان برای رهائی از زنجیر

در جهان امروز

انقلاب گرایش عمده است

حلقها دیری نمی پایند . معنی آن این است که کونیستها
باید از روحیه تعرض سرشار باشند و تمام مساعی خود را در راه
تدارک مبارزه انقلابی بی امان، در راه ساختمان حزب - حزبی
که در میان توده های مردم ریشه بدواند - متمرکز سازند . این
است نخستین آموزش این اندیشه .

اکنون دیگر صحبت بر سر انتخاب میان صلح و جنگ نیست
بلکه در واقع بر سر جنگ و انقلاب است کسانی که در برابر سیاست
جنگ افروزی امیرالیسم خواهان صلح و حفظ وضع موجودند را
دیگری ندارند جز اینکه به اردوی مبارزه ضد امیرالیستی به
پیوندند . رفیق مائو چندی پیش خاطر نشان ساخت که "در مورد
جنگ جهانی در واقع دو امکان بیشتر وجود ندارد: یا جنگ
موجب برانگیختن انقلاب میگردد یا انقلاب از جنگ جلوگیری".
راه سومی نیست. دفاع از صلح مبارزه بخاطر صلح است،
مبارزه با آتش افروزان جنگ است، علیه امیرالیسم است در کما
انقلابا بیسون .

در میان دو راه سومی نیست . یا باید در طرف تسلیم
طلبان، در طرف امیرالیسم قرار گرفت و یا در جهت تعرض، در
جهت انقلاب . همانطور که نوردوم سیهانوک اظهار میدارد:
"همزستی ساخت آمیز چیز خوبی است اما همانا برای آنکه
بتوان مسالمت آمیز بود باید از مبارزه مسلحانه شروع کرد".
راه بیطرفی، " هواداری بیطرفی" برای همیشه سد و گردید
است. چنین است دومین آموزش.

در میان ریزیزونیسم نو، این عامل ایدئولوژی بورژوازی
در جنبش کارگری، و ایدئولوژی پرولتاریا یعنی مارکسیسم -
لنینیسم راه سومی وجود ندارد . در میان این دو نمیتوان
تردیدی بخود راه داد. تاریخ در مسیر خود تزلزلها را محکوم
میکند، خائنین را بر ملا میسازد . وحدت بقیه در صفحه ۳

حق چین نخستین خلقی است که امیرالیسم آمریکا را در
بار بزانو - آورده است . بیکار در سرزمین چین و بار و پر
سرزمین کره . خلق ویتنام سالهاست که ماشین جنگی امیریکارا
در هم میگرد . بجای هریارتزائی که برخاک میافتد هر روز هزارا
پارتیزان - آسیا، خاورمیانه، آفریقا و امریکای لاتین قد برمی -
افرازند . در کشورهای امیرالیست خلق ها از نو بپامیخیزند.
از هم اکنون دوران تاریخی نوینی آغاز بدین گرفته است . ی
اصطباریه رفیق مائوتسه در ۲۰ مه ۱۹۲۰ در سها
مبارزه انقلابی را تعمیم میدهد و مشی انقلاب جهانی را ترسیم
میکند . این اظهاریه برای همه مارکسیست - لنینیست هاسر -
شار از آموزتر است . ما باید آنرا مطالعه کنیم، به عمق آن پی-
بریم و آنرا بخاطر روشن ساختن مبارزه روزانه خود عیقادریا
" - در جهان امروز انقلاب گرایش عمده است "

این اندیشه درخشان رفیق مائو خط سرخ اظهار ریه
۲۰ مه اوست. این اندیشه، دیالکتیک بفرنج مبارزات طبقاتی
را در مقیاس بین العالی در یک جمله ساده و قابل درک برای
هر زحمتگر، همربارن خلاصه میکند، این اندیشه از مبارزه انقلابی
در یک کشور امیرالیستی کهن مانند فرانسه درک کاملی بدست
میدهد . آموزشهای شخص آنها بیرون کشیم .

بحران اقتصادی ممالی، سیاسی و ایدئولوژیک دنیا ی
کهنه سرمایه داری درمان ناپذیر است . دنیای سرمایه داری
بر اثر بحران بیک سلسله تجاوزاتی دست میزند که موجباترشد
و اعتلا، مبارزات توده ای را فراهم میآورد . حمله و هجوم آمریکا
در ویتنام، حمله و هجوم حیوانی وحشی است که ناتوان و درماند
است. ختم وی خشم دوران احتضار است .

راه حل نهائی که بورژوازی امروز بدانها دست میازد
قادر نیستند این گرایش عمده را از میان بردارند . چنین راه

پیروز باد مبارزه دلیرانه خلق های هند و چین

قرارداد نواستعماری

سوسیال امپریالیسم شوروی

هموطنان، میهن پرستان .

خیانتی که در مهرماه ۱۳۴۹ نسبت به منافع حیاتی میهن ماصورت گرفت از خیانت های قد راول حکومت محمد رضا شاه است. رژیم کودتا در این ماه قرارداد اس با نمایندگان سوسیال امپریالیست های شوروی امضاء کرد که یکی از رهازنانه ترین قراردادها در تاریخ تحمیلی امپریالیستی است .

پیش از این تاریخ نیز، همچنانکه روزنامه "توفان بارها افشاء" کرده است، سوسیال امپریالیست های شوروی به دستکاری امپریالیست های امریکائی مواضع نسبتاً مهمی در اقتصاد و سیاست ایران اشغال کرده بودند ولی قرارداد مهر ۱۳۴۹ را باید مرحله جدیدی در تأمین سلطه تزارهای نوین کرملن بشمار آورد . بموجب این قرارداد : سوسیال امپریالیست های شوروی بزرگی از مطامع بزرگ خویش یعنی دست اندازی بر منابع نفت ایران در سراسر شمال و مرکز نائل می آیند . اگر جنوب ایران از عمان تا کرمانشاه در اختیار نفت خواران امپریالیستی است اینک سوسیال امپریالیست ها زمه عارت بی رقیب نفت ایران را از سرخس تا جلغاب برای خود فراهم آورده اند . بموجب این قرارداد : علاوه بر لوله گاز سراسری که در ماسلیون در لاری برای ایران تعامند متاکا از ایران رابسه بهای ناچیز در کنار ارس به سوسیال امپریالیسم شوروی تحویل در هد لوله دیگری موازات آن و بهمان قیمت نمرشکن از محل اعتبارات و وام های اسارت آور ساخته خواهد شد تا قسمت دیگر از گاز ایران را از طریق شوروی بایرداخت حقوق ترانزیت بدولت های عارک در یگر برسانند . بموجب این قرارداد : استخراج منابع عظیم گاز سرخس به سوسیال امپریالیست های شوروی واگذار میشود . بموجب این قرارداد : تولید کارخانه ذوب آهن که سوسیال امپریالیست های شوروی بنا بر مقاصد خاص خویش مشغول ساختن آنند بهد و برابر نیازمندی های کشور مایعنی به چهار میلیون تن در سال بالا برده میشود تا سوسیال امپریالیست های شوروی بتوانند فرآورده های آن را برای صنایع خویش بشمن بخش از ایران خریداری کنند (همان کاری که باهندوستان و کارخانه ذوب آهن آن کرده اند) . بموجب این قرارداد : سوسیال امپریالیست های شوروی نیازمندی های خود را به مواد اولیه از قبیل برنج ، پنبه ، دانه های روغنی و غیره در عرض پانزده سال بدولت ایران اطلاع خواهند داد تا بدولت ایران نقشه های اقتصادی خود را بر آنر آنها تنظیم کند و کاملاً وظیفه مستعمر را در برابر متروبول داشته باشد . بموجب این قرارداد : سرزمین های پهناوری ارسمالی ایران بعنوان ایجاد بنگاه های کشت و صنعت در اختیار سوسیال امپریالیست های شوروی گذاشته میشود ، از نوع آنها نگاهها که امپریالیست های امریکائی در بندر عباس و حوالی سد درز و غیره برپا داشته اند و چیز دیگری جز مؤسسه استعماری —

قرارداد مهر ۱۳۴۹ بر تقسیم رهازنانه ایران صحه میگردد و در واقع تحدید قرارداد شوم ۱۹۰۷ است ، با این تفاوت که امپریالیسم انگلستان جای خود را به امپریالیسم امریکاداده است و سلسله رویزونیست های خروشچقی (برزنغها ، پادگورنی ها کاسیگین ها) برجای سلسله رمانفهان شسته اند ، با این تفاوت که نقش فرومایگی رویزونی محمد علیشام محمد رضا شاه ایفا میکنند . قرارداد مهر ۱۳۴۹ یکی از مظاهر برجسته سازش سوسیال امپریالیست های شوروی و امپریالیست های امریکائی بر سر تقسیم جهان است . محیطی که این قرارداد در آن امضاء شد همان است که قرارداد کسر سیوم را بر میهن ما تحمیل کرد : یعنی محیطی که فریاد میهن پرستان را در آن با صغیر گلوله خاموش میکنند . این قرارداد در نیز مانند قرارداد کسر سیوم در نظر خلق ایران از رجه اعتبار ساقط است و ما بنا مخلق ایران بطلان آن را اعلام میداریم .

هموطنان، میهن پرستان .

امروز بیش از پیش آشکار میگردد که مبارزه با سوسیال امپریالیسم شوروی شرط ضروری سرنگون ساختن امپریالیسم و ارتجاع است . سوسیال امپریالیسم شوروی و امپریالیسم امریکاد و تکیه گاه عمدتاً رژیم محمد رضا شاه اند . بازوی محمد رضا شاه را هر دو آنها مسلح میکنند . درر معنی با انقلاب ایران هر دو آنها بیک اند از ه کینه توز اند . رویزونیست های حزب تود ه ایران که در صد پوشانیدن این حقایق روشن اند با انقلاب ایران خیانت میورزند . وظیفه ماست که نقاب از چهره سوسیال امپریالیسم شوروی برگیریم و هر دو زانگ جهانی را یکجا بکوبیم . در این پیکار مقدس ، همه خلق های جهان و از آن جمله خلق شوروی (که با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر پیمان های اسارت آور و از آن جمله قرارداد ۱۹۰۷ را از هم درید) پشتیبان خلق ایران اند .

فروزان باد آتش بیکار خلق های ایران بر ضد حکومت محمد رضا شاه و حامیان امپریالیست و سوسیال امپریالیست وی .
ننگ و نفرت بر قرارداد مهر ۱۳۴۹